

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این نوشته می خوانید:

بار دیگر آمریکا مانعی در برابر

ساندنیستها

خصوصی سازی آب

کنگره حزب احیا کمونیستی،

گامی بزرگ به راست

بار دیگر آمریکا مانعی در برابر

ساندنیستها

بیش از دو دهه از زمانی که ایالت متحده آمریکا از کانال حمایت و پشتیبانی از کُنترها علیه ساندنیستها می جنگید، می گذرد. با گرایشی که مردم آمریکای لاتین اخیرا به سیاستهای متمایل به چپ پیدا کرده اند، بار دیگر آمریکا برآن شده است که به گونه آشکار و مستقیم وارد صحنه شده و این بار با به راه انداختن جنگ روانی و ایراد اتهامات گوناگون علیه ساندنیستها، به تلاش برای تاثیر گذاری در انتخابات این کشور و جلوگیری از

موشکهای دوران جنگ است. بدین منظور، او با یک گروه مخالف دیگر برای رد قانونی که مانع نابودی موشکهای مذکور می شود وارد یک ائتلاف شده و در برابر رئیس جمهور فعلی، ارنیکو بولانوس قرار گرفته است. بولانوس اگر چه با نابودی موشکهای مزبور موافقت کرده است اما خواهان از بین بردن تمامی آنها نیست. در حالیکه اُرتگا اطاعت از آمریکا را مترادف از دست دادن حق حاکمیت نیکاراگوئه می داند، مرد شماره دو ساندنیستها و وزیر کشور سابق، آقای توماس بورخه می گوید، آمریکا عدم نابود سازی موشکهای زمین به هوا که در جنگ استفاده شده بود را بهانه ای برای جلوگیری از کاندیداتوری اُرتگا در انتخابات ریاست جمهوری قرار داده است. این در حالی است که در ۶ مارس سال جاری، کنگره ساندنیستها، اُرتگا را برای پنجمین بار به کاندیداتوری در انتخابات سال ۲۰۰۶ برگزیده است. اُرتگا از سال ۱۹۹۰ تاکنون ۳ بار شانس خود را برای ریاست جمهوری به آزمایش گذاشته اما هر سه بار ناموفق بوده است. این بار نیز طبق همه پرسشهای صورت گرفته در نیکاراگوئه، علایمی از انتخاب مجدد او دیده نمی شود. با این حال، همان آمار بیانگر موفقیت ساندنیستها در صورتی که



جای اُرتگا با مهمترین رقیب حزبی او معاوضه شود، می باشد.

آمریکا در انتخابات گذشته نیز مردم این کشور را در صورت انتخاب اُرتگا تهدید کرده است. این امر تاثیر بسیاری در ناموفق بودن او در انتخابات داشت زیرا مردم به ستوه آمده این کشور گمان می برند که دشمنی آمریکا با آنها، نتایج سخت و زاینبار اقتصادی را در بر خواهد داشت. این در حالی است که با وجود خواست اُرتگا و به طور کلی ساندنیستها برای ایجاد یک دولت سوسیالیست، از انقلاب ۱۹۷۹ تاکنون، راه میانه روی را برگزیده اند و به تدریج به این نتیجه رسیده اند که مخالفت با سرمایه گذاری های

نامزدی دانیل اُرتگا، رهبر ساندنیستها برخیزد.

وزیر دفاع آمریکا، دانالد رامسفلد، ساندنیستها را مانعی جدی در برابر اقدامات دولت کنونی در از میان برداشتن موشکهای زمین به هوا خوانده و اُرتگا را عامل اصلی این مشکل دانسته است. در همین رابطه، دولت بوش هشدار داد که مبلغ ۲ میلیون دلاری را که برای کمکهای نظامی به این کشور می دهد، به این دلیل که تاکنون اقدامی اساسی در نابود کردن موشکهای مذکور صورت نگرفته، قطع خواهد کرد. آمریکا ادعا می کند، این سلاحهای قدیمی امکان دارد به دست تروریستها بیافتد. اما دانیل اُرتگا از مخالفین سرسخت از میان بردن

خصوصی و اقتصاد بسته، در این دوره تاریخی اشتباه است.

با وجود آنکه در همه پرسشهای اخیر نامحسوب بودن اُرتگا برای ریاست جمهوری بیشتر خود را نشان داده و در حالی که شهردار ماناگوآ، هرته لوتینس که ماه گذشته به خاطر مخالفت با نامزدی اُرتگا از جانب ساندنیستها اخراج گشت، شانس بیشتری را دارا بود، روز ۲۳ مارس ۲۰۰۵، ساندنیستها در انتخابات محلی به پیروزیهای بزرگی دست یافتند. ساندنیستها کنترل تقریبا همه شهرهای بزرگ را به دست آوردند. این یک شکست بزرگ برای حزب در قدرت و رئیس جمهور ارنیکو بولانوس بود. اُرتگا خطاب به هزاران تن از هواداران ساندنیستها که در میدان بزرگ ماناگوآ جمع شده بودند گفت: "اکثر مردم نیکاراگوئه معتقدند که تنها نیرویی که می تواند این کشور، هم مردم فقیر و هم ثروتمند آن را نجات دهد، جبهه آزادی بخش ملی ساندنیستها FSLN است."

جالب توجه آنکه، بسیاری از رهبران سابق ساندنیستها از لوتینس، ساندنیست اخراج شده حمایت کرده بودند. لوتینس که هنوز اشاره ای به دیدگاهش در مورد نابودی موشکها نکرده است، معتقد است که اُرتگا برای بدست گرفتن کنترل در بخش قضایی، قانونگذاری و مالی، با دشمن سابق متحد شده است. دشمن سابق همان ارنولدو العان است که در حال حاضر، به خاطر تخلفات و فساد مالی به ۲۰ سال زندان محکوم شده است. در سال ۲۰۰۲، رئیس جمهور فعلی، بولانوس، به یک سری اقداماتی دست زد که طی آن بسیاری از فسادهای مالی به روی صحنه آورده شد. از این رو او همواره مورد انتقاد و خشم ساندنیستها و لیبرالها قرار گرفته است. ناگفته نماند که بولانوس، مورد حمایت ایالت متحده آمریکا است.

پیروزی ساندنیستها در انتخابات محلی، گویای این واقعیت اجتماعی است که مردم آمریکای لاتین به تدریج علیه خواست آمریکا و تعیین تکلیف کردن برای مردم این منطقه به ستوه آمده اند. دست نشانده گان آمریکا محبوبیتی ندارند و توپ اکنون در زمین نیروهای مخالف قرار گرفته است. این آنها هستند که اکنون با اتخاذ سیاستهای مردمی و برنامه هایی که به نیازهای مردم بپردازد، روبرو هستند. آنها ناگزیر هستند به تغییر و تحول در حزب و یا سازمان خود تن داده و آنرا برای هر چه مردمی و عدالت خواهانه تر کردن بازسازی کنند.

خصوصی سازی آب

آب از پایه ای ترین نیازهای انسانهاست و باید بدست خود آنان اداره شود.

آب که همانند هوا از نیازهای اولیه انسان است، هم اکنون به یکی از موقعیتهای سود آوری تجاری تبدیل گشته است. گفته می شود که آب در قرن بیست و یکم از همان اهمیتی برخوردار خواهد بود که نفت در قرن بیستم داشت.

همه ساله روز ۲۲ مارس، روز جهانی آب، مراکز مهم مالی جهان مانند بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی و چند گروه ذی نفع دیگر ناچار می شوند با چهره کربه مشکلی که خود به وجود آورده اند روبرو شوند. خصوصی سازی آب و قرار دادن آن در دست مراکز مالی خصوصی، مردم را وادار به پرداخت بهای سنگینی جهت دستیابی به این مایه حیاتی کرده است. این امر اکنون تبدیل به مضلی گشته که از جمله پیامدهای آن، به خطر افتادن سلامتی و بهداشت مردم جهان بویژه مردم فقیر بوده است.

در سراسر قاره آسیا، دولتهای حاکم تحت فشار مراکز مالی نفع بر، خدمات آب رسانی را به آنها واگذار نموده اند. این در حالی است که در هیچیک از مناطق تحت کنترل کمپانیهای خصوصی، آنها نتوانسته اند آب پاک آشامیدنی را به مقدار لازم در اختیار مردم قرار دهند.

بطور کلی کمپانیهای خصوصی که مدیریت آب را در دست می گیرند، فعالیتهای خود را بیشتر متوجه شهرها کرده و از این رو مردم فقیر روستاها، نیاز مبرمی به آب پاکیزه و رایگان یا ارزان قیمت دارند، از آن محروم می گردند. پروسه این کار به دو شکل صورت می گیرد. اول آنکه، آب روستاها را به سوی شهرها تونل کشی می کنند و یا با کندن چاههای آب، اقدام به پر کردن بَطریهای آب آشامیدنی برای شهرها می کنند.

با ورود کمپانیهای بزرگ مالی، تعرفه ها نیز بر بهای آب افزوده می شود. برای مثال در فیلیپین، دولت این کشور ادعا می کند که خصوصی سازی، بحران آب در این کشور را حل خواهد کرد و به مردم قول داد که قیمتها تا ۵ سال تغییری نخواهند کرد. اما تنها پس از سه سال، به دلیل تعرفه بندی، قیمت آب بین سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳، به میزان ۳۰۰ درصد در غرب و ۷۰۰ درصد در شرق کشور افزایش یافت.

خانم مری ان مانهاتن، یک پژوهشگر سابقه دار در این امر می گوید: "اگر سراغ جایی را بگیرد که خصوصی سازی آب در آنجا موثر واقع شده باشد، من چنین نقطه ای را نمی شناسم که از آن یاد کنم". از سوی دیگر، گزارشها و بررسیهای متعدد نشانگر آن هستند که مناطقی که تحت مدیریت عمومی

بقیه در صفحه ۶